

# بازسازی جمهوری خواهی

علی معظمی

دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران



○ جمهوری خواهی، نظریه‌ای در آزادی و حکومت

○ فیلیپ پتی

○ فرهاد مجلسی پور

○ نشر و پژوهش شیرازه

○ ۱۳۸۲، دوازده + ۴۹۴ صفحه، ۱۱۰۰ نسخه، ۴۰۰۰ تومان

طبقات و جنگ جزء مهم‌ترین مضامین مورد توجه ماکیاولی بودند. از آن پس با تاملات اومانیتها در سنتهای پیشا مسیحی و نیز در تلاطم حوادث قرون بعدی اروپا یعنی انقلابهای انگلیس و فرانسه و نیز استقلال آمریکا مضمونتهایی چون قانون اساسی مختلط، نظارت، مجالس دوگانه قانون سالاری، حق رای و فضیلت شهروندی مفاهیمی بودند که پیکره بحثهای جمهوری خواهانه را شکل می‌دادند.

در دوران معاصر با استقرار حکومتهای لیبرال و دموکراسیهایی که حاصل و پیامد تاریخی نفی پادشاهیها و حاکمیتهای اقتدارگرا بودند و نیز با گسترش فلسفه‌های لیبرالی و نولبرالی مفهوم آزادی انتخاب و قدرت مردم به عنوان شاخصه‌های اندیشه سیاسی لیبرال تثبیت شده‌اند. در مقابل، اندیشه سیاسی «جمهوری خواهی»، با وجود اشتراک در مضمونهای بسیار با سنت لیبرالی، امروز بیشتر با تأکیدش بر مفهوم شهروندی و فضیلت‌های شهروندی تمایز یافته است.

اما همان طور که می‌بینیم قوت و اقبال نظریه‌های لیبرالی در مرکزیت دادن‌شان به مفهوم آزادی است و شاید بتوان دوری یا نزدیکی ایده‌های

(A Theory of Freedom, 2001)؛ و کتاب آخرش که به همراه جفری برنان نوشته است اقتصاد اعتبار (The Economy of Esteem, 2004) نام دارد.

## ۲- مسئله جمهوری خواهی

مسئله‌ای که پتیت در این کتاب به آن پرداخته است به تعبیری از قدیمی‌ترین مسائل فلسفه سیاسی مدرن است اگر ماکیاولی را به عنوان پدر فلسفه سیاسی به معنای مدرن کلمه بدانیم، باید گفت که جمهوری خواهی از نخستین مضمونتهایی است که در کنار مسئله قدرت، جنگ، اخلاق سیاسی؛ و شهروندی به وسیله ماکیاولی به عنوان مضمونی مستقل در اندیشه سیاسی بحث شدند. ماکیاولی در گفتارها به مسائل مبتلا به جمهوری روم باستان پرداخت، آنها را به تفکیک بیان کرد، و کوشید با تحلیل هر موقعیت بازآورده از تاریخ روم باستان، نتایج کلی تری بگیرد تا به صورت اصلهایی در حکومت به شیوه جمهوری یا رهنمودهایی برای گذر از بحرانهای مشابه به کار آیند. (ماکیاولی، ۱۳۷۷)

آزادی، شهروندی، رابطه مردم با دولت، تنازع

## ۱- معرفی نویسنده:

فیلیپ پتیت (Philip Pettit) نویسنده کتاب جمهوری خواهی هم اکنون استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه پرینستون و عضو هیأت علمی دانشکده فلسفه در همین دانشگاه است. پتیت ایرلندی تبار است و در سال ۱۹۴۵ در این کشور به دنیا آمده. تحصیلات مقدماتی و دانشگاهی خود را هم در ایرلند گذرانده است و دکترای فلسفه خود را هم از دانشگاه کوئین در بلفاست گرفته است. پتیت در دانشگاه‌های متعددی در ایرلند، انگلیس، استرالیا و آمریکا تدریس کرده و البته بیشترین وقت را در دانشگاه ملی استرالیا (ANU) گذرانده است.

او مقالات متعددی در زمینه فلسفه سیاست، فلسفه حقوق، اخلاق و معرفت‌شناسی دارد و چند کتاب هم به تنهایی یا با همکاری دیگران نوشته است که عمدتاً به سه حوزه نخست تعلق دارند. جمهوری خواهی را به اعتبار توجهی که به آن شده است می‌توان مهم‌ترین کتاب این فیلسوف ایرلندی - استرالیایی دانست و از میان دیگر آثار او می‌توانیم به این کتابها اشاره کنیم: ذهن مشترک (The Common Mind, 1993)؛ نظریه آزادی

محوری جریانهای اندیشه سیاسی را به تعابیر مقبول از آزادی همچون ملاکی برای اقبال آنها آزمود. از این دیدگاه غیر نظری می‌توان گفت که اهمیت جمهوری خواهی پتیت همان طور که یکی از منتقدانش، یان کارتر، نیز گفته است<sup>۱</sup> این است که در صورت‌بندی او از جمهوری خواهی، آزادی - با تعریضی که پتیت از آن به دست می‌دهد - محوریت می‌یابد و مفهوم مألوف جمهوری خواهانه فضیلت شهروندی (civic virtue) خیلی دورتر با نقشی ایزاری ظاهر می‌شود. به قول کارتر «پتیت به لیبرالیسم در زمین خودش حمله کرده است.»

### ۳- آزادی در جمهوری خواهی

جمهوری خواهی همان گونه که از عنوان فرعی آن هم برمی‌آید حامل نظریه‌ای است در «آزادی و حکومت». کتاب هم بر همین اساس به دو بخش تقسیم شده است: پس از مقدمه نخست بخش «آزادی در جمهوری خواهی» می‌آید و پس از آن بخش دوم «حکومت در جمهوری خواهی» هر بخش حاوی چهار فصل است و پس از فصل هشتم نویسنده خلاصه موضوعی از کتاب را هم افزوده است. ترجمه فارسی از روی ویرایش ۱۹۹۷ کتاب انجام شده است، در ویرایشی که دو سال بعد به بازار آمده‌ودر واقع ویرایش «جلد نرم» (Paperback) کتاب است نویسنده مؤخره‌ای را هم برای رفع برخی ابهامها افزوده است. (Pettit, ۱۹۹۹) با این همه، اشتباه نخواهد بود اگر کل کتاب را نظریه‌ای درباره آزادی بدانیم؛ به این ترتیب که بخش اول کتاب بسط فلسفی مفهوم مورد نظر آزادی است و بخش دوم تماماً به دقایق اختصاص یافته است که به تعامل حکومت جمهوری و آزادی جمهوری خواهانه مربوط می‌شود. این مسئله روشن می‌کند که چرا در این یادداشت بیشتر به همان جنبه نظری کار یعنی مفهوم‌پردازی آزادی می‌پردازیم.

اما صورت‌بندی پتیت از مفهوم آزادی چیست که هم آن را بدیلی برای نظریه‌های لیبرال آزادی می‌پندارد و هم آن را بر مفاهیم مورد توجه در رهیافت‌های معمول جمهوری خواهانه ترجیح می‌دهد؟

تعبیر مورد نظر پتیت از آزادی به اعتبار نگاه تاریخی او تعبیری است به ارث رسیده از سنت جمهوری خواهی کلاسیک که پیش از این که مفهوم جدید و لیبرالی آزادی طرح شود معمول بوده است. وقتی به این مفهوم جدید و لیبرالی اشاره می‌شود از نظر پتیت مفهومی از آزادی مورد نظر است که در ابتدا به وسیله بن‌ژامن کنستان (۱۷۶۷-۱۸۳۰) در رساله «درباره آزادی باستانیان در سنجش با آزادی مدرن‌ها»<sup>۲</sup> طرح شده و صورت‌بندی دقیق و

تثبیت شده آن توسط سرآیزایا برلین در رساله «مفاهیم دوگانه آزادی» انجام یافته است. در آن جا برلین بین دو مفهوم از آزادی تمایز می‌نهد: «آزادی به معنی صاحب اختیار و ارباب خود بودن» و «آزادی به این معنی که کسی جلو کاری را که می‌خواهم بکنم نگیرد» برلین مفهوم اول را آزادی مثبت می‌خواند (مثبت چون متضمن «تثبیت» خود سروری است) و مفهوم دوم را آزادی منفی (چون لازمه آن «نفی» دخالت دیگری است.) به نظر برلین آزادی مثبت و آزادی منفی «دو چیز جداگانه است که شاید به لحاظ منطقی چندان دور از هم نباشند. چنان که گویی این دو معنی دو طرف یک قضیه است که گاهی به صورت ایجابی و گاهی به صورت سلبی بیان می‌شود. لیکن عملاً و از نظر تاریخی این دو مفهوم مثبت و منفی آزادی در دو مسیر مختلف، و بسا به گونه‌ای ناهنجار پیش رفته و آخر سر به تعارض کامل با یکدیگر انجامیده‌اند.» (برلین، ۱۳۶۸: ۲۵۰) شکل این تعارض ناهنجار این گونه است که التزام به مفهوم مثبت آزادی می‌تواند نهایتاً ما

را به جایی بکشاند که از آزادی در انجام کاری که می‌خواهیم - آزادی منفی - محروم شویم. مثال برلین برای این مورد تعابیری است که افلاطونیان و هگلیان از خود سروری به دست می‌دهند. وقتی صحبت از «خودسروری» به میان می‌آید در گرایش‌هایی که در آنها بر انشقاق متافیزیکی «خود» و «نفس» تأکید می‌شود - یعنی قائل به یک نفس عالی و یک نفس سافل‌اند که برای رستگاری آن خود برتر یا نفس عالی باید بر نفس سافل غالب آید - فوراً این پرسش مطرح می‌شود که «کدام خود؟» همین که مفهوم «خود» دستخوش این بازی شود راه بر حاکمیت عقلها و اراده‌های «برتر» باز می‌شود که مساوی است با محدود شدن حوزه عمل فرد. تمایز‌گذاری برلین به دلیل روشنی و قوت آن و نیز از آن رو که مخاطراتی را که در مورد آزادی

## اگر ماکیاوولی را پدر فلسفه مدرن بدانیم باید گفت جمهوری خواهی از نخستین مضموونهای است که در کنار مسئله قدرت، جنگ، اخلاق سیاسی، و شهروندی توسط وی مورد بحث قرار گرفته است

## اندیشه سیاسی «جمهوری خواهی» با وجود اشتراک در مضموونهای بسیار با سنت لیبرالی، امروز بیشتر با تأکیدش بر مفهوم شهروندی و فضیلت‌های شهروندی تمایز یافته است

مثبت گوشزد می‌کند بسیار ملموس نموده‌اند، تبدیل به مفهوم‌پردازی غالب برای آزادی سیاسی در سنت لیبرال و سنت‌های مرتبط با آن شده است.

پتیت اما نظر مساعدی درباره این تقسیم‌بندی ندارد. به عقیده او «تمایز منفی - مثبت در اندیشه سیاسی، به زیان ما بوده است. چنین تمایزی با صرف نظر کردن از جزئیات، این توهم فلسفی را دامن زده است که برای فهم آزادی فقط دو راه وجود دارد: در یکی، آزادی عبارت است از عدم موانع خارجی در برابر گزینش فردی؛ در دیگری عبارت است از وجود و معمولاً به کارگیری وسائل تسهیل‌کننده‌ای که خود سروری و خود شکوفایی را تقویت می‌کنند؛ به ویژه وجود و به کارگیری آن وسائل مشارکت و رای دهی که فرد به وسیله آنها می‌تواند در شکل دادن خواستی مشترک و مردمی با

دیگران همراه شود.» (ص ۶-۳۵)

به نظر پتیت این تمایز همان اندازه که از نظر فلسفی غلط انداز است از نظر تاریخی هم خطاست. او بدیل مورد نظر خود را در «سنت طولانی جمهوری خواهی» می‌یابد که «مرکز توجه یک مکتب مدرن پژوهشی تاریخی بوده است.» (ص ۳۷) پتیت سپس در فصل اول از بخش اول کتاب که «پیش از آزادی منفی و مثبت» نام دارد

می‌کوشد تا با اتکا به پژوهشهای مکتب تاریخی‌ای که افراد شاخص آن امثال کوینتن اسکینر، پاکاک و فونتانا هستند نشان دهد که تلقی کم و بیش مشترکی از مفهوم آزادی وجود داشته است که می‌توان آن را از خطابه‌های سیسرون در روم باستان و بازخوانی آنها در رنسانس و اندیشه ماکیاوولی پی گرفت و تا اندیشمندان حاضر در جمهوری هلند و جنگ داخلی انگلستان و انقلابهای آمریکا و فرانسه

## التزام به مفهوم مثبت آزادی می‌تواند نهایتاً ما را به جایی بکشاند که از آزادی در انجام کاری که می‌خواهیم - آزادی منفی - محروم شویم

### به اعتقاد پتیت هابز مقدم کسانی است که آزادی را در مفهوم عدم دخالت آن طرح کرد



دنبال کرد. این رهیافت سوم را پتیت باز هم مفهومی «منفی» برای آزادی می‌داند چرا که یک نفی را الزام می‌کند اما نه به مانند مفهوم منفی برلینی - لیبرالی که «دخالت» دیگری را در کاری که من می‌خواهم بکنم نفی می‌کند؛ مفهوم پتیت که آن را «آزادی به مثابه عدم سلطه» می‌خواند سلطه دیگری را بر من نفی می‌کند.

برخورداری از «عدم سلطه» یعنی این که شخص «از دخالت دلبخواه در آن چه انجام می‌دهد فارغ است [...] فراغت یعنی این که دیگران قادر نیستند به شکل خودسرانه در کار او دخالت کنند. این فراغت، فراغت از هر نوع دخالتی نیست بلکه صرفاً از دخالت خودسرانه است و فراغت مفروض مستلزم نه صرفاً عدم دخالت بلکه عدم توانایی دیگران در اعمال دخالت - به عبارت دیگر عدم برگشت‌پذیری دخالت - است.» (ص ۴۷)

پیداست که آرمان آزادی پتیت قرار است با نفی سلطه در واقع امکان دخالت خودسرانه را منتفی کند. در حالی که برلین اصولاً چنین چیزی را مد نظر ندارد: او - شاید با نوعی واقع‌گرایی بدبینانه - برای قضاوت درباره‌ی آزاد بودن یا نبودن فرد تنها به ملاک عدم مداخله در انتخابهای موجود فرد نظر دارد. برلین برخلاف پتیت «با محدوده‌ی نظارت سر و کار دارد نه با منشأ آن» (برلین، همان: ص ۲۴۷) و تصریح می‌کند که ممکن است شهروندان در یک دموکراسی از بسیاری آزادیهای خود محروم شوند در حالی که یک دیکتاتور آزاد اندیش که در عین حال ممکن است ظالم هم باشد به اتباع خود زمینه وسیعی از آزادیها بدهد. (برلین، همان) اما برای پتیت همین زیستن در حکومت یک دیکتاتور معادل با عدم آزادی فرد است حتی اگر دیکتاتور عملاً در کار اتباعش دخالت نکند. به نظر او تبعه‌ی یک دیکتاتور «آزاداندیش» یا بنده‌ی یک ارباب غیرمداخله‌گر هر دو ناآزادند. طبق فرمول‌بندی پتیت یک نفر تا هنگامی دیگری را در سلطه یا انقیاد خود دارد که «توان دخالت... بر مبنایی خودسرانه را... در برخی گزینشهایی که دیگری در مقام اقدام به آنهاست داشته باشد.» (ص ۹۳)

پتیت پیش از آن که وارد مفصل‌بندی دقیق مفهوم آزادی به مثابه عدم سلطه شود، نشان می‌دهد که چگونه و طی چه مسیری و چه کسانی مفهوم لیبرالی «آزادی به مثابه عدم دخالت» را در مقابل مضمون قدیمی آزادی به مثابه عدم سلطه جمهوری خواهی طرح کردند و به چه دلایلی توانستند آن را بر جایگاه مقبول‌تری بنشانند. به اعتقاد پتیت هابز مقدم کسانی است که آزادی را در مفهوم عدم دخالت آن طرح کرد:

«مرد آزاد کسی است که در چیزهایی که با توان و هوش خود قادر به انجام آنهاست مانع او نشوند تا



# آزادی جمهوری خواهانه، آرمانی جمع‌گرایانه است در حالی که مفهوم لیبرالی آزادی، بیشتر ایدآلی فردی است

## پتیت تأکید می‌کند که با همه ترجیحی که او برای «عدم سلطه» نسبت به «عدم دخالت» قائل است عدم دخالت همچنان یک خیر مهم است

شود و نه قیدی برای سایر اهداف دولت.

۴- حکومت در جمهوری خواهی  
پس از آن که لزوم و نقش دولت برای تحقق عدم سلطه طرح شد، پتیت آزادی به مثابه عدم سلطه را همچون خیری جماعت‌گرایانه می‌نماید؛ یعنی خیری که تنها در نظامی می‌تواند متحقق شود که دربردارنده اعضایی باشد که با هم برهم کنش جمعی دارند و از آن گذشته همان گونه که جماعت‌گرایان (communitarians) هم می‌گویند این افراد باید بتوانند با دولتی که چنین آزادی را ارتقا می‌بخشد احساس نزدیکی کنند.

در اینجا مقدمات ورود به بحث حکومت در جمهوری خواهی دیگر برای پتیت فراهم است. او در بخش دوم کتاب به بحثی پر جزئیات درباره این می‌پردازد که دولت جمهوری خواه چه سیاستهایی باید داشته باشد؛ چه شکلهایی می‌تواند داشته باشد؛ چگونه می‌توان بر آن نظارت کرد؛ و چگونه می‌توان آن را مدنی (civilized) ساخت.

همان طور که دیدیم با طرح آزادی به عنوان آرمانی جماعت‌گرایانه پتیت مجدداً به عناصر متداول سنت جمهوری خواهی مراجعه کرد و نقش شهروندان و خصایص و فضایل آنها را در میان آورد. شهروندانی که با هم برهم کنش جمعی دارند و می‌توانند با دولتی که هدفش ارتقای آزادی است احساس نزدیکی کنند.

ما در اینجا نمی‌توانیم به همه جزئیات مهم بحث او در بخش دوم کتاب بپردازیم و تنها به پاره‌ای از جنبه‌های خاص آن اشاره می‌کنیم. پتیت تأکید می‌کند که نخستین چیزی که در دولت جمهوری مهم به نظر می‌رسد این است که با هدفی که برای آن تعیین شده - ارتقای آزادی به مثابه عدم سلطه - می‌تواند زبانی کثرت‌گرا داشته باشد به این معنی که می‌تواند با تحقق آرمانها و اهداف متنوعی جور در بیاید و به آنها کمک کند.

در این بخش نویسنده تلاش زیادی می‌کند تا نشان دهد چگونه جمهوری خواهی با اهداف متنوعی چون نظم محافظه‌کارانه، سوسیالیسم، فمینیسم و... همراهی تواند داشت. (صص ۲۴۶-۲۲۰) نکته مهمی که او لازم می‌بیند پس از این رویکرد انضمامی بیان کند این است که جمهوری خواهی در

که مفهوم آزادی به مثابه عدم سلطه نه ابداع او بلکه بازآوری از یک سنت قدیمی شناخته شده است، آنگاه ابهام موجود در آثار نویسندگان مورد اشاره لا‌مر را بیشتر باید ناشی از ابهام مفهوم برگزیده آنها بدانیم تا نشناختن درست بدیل دیگر.

نکته دیگری که در تفاوت بین آزادی جمهوری خواهانه و آزادی لیبرالی برجسته است این است که آزادی در مفهوم اول آرمانی جمع‌گرایانه است در حالی که در مفهوم دوم خیلی بیشتر ایده آلی فردی است. پتیت تأکید می‌کند که با همه ترجیحی که او برای «عدم سلطه» نسبت به «عدم دخالت» قائل است عدم دخالت همچنان یک خیر مهم است و تأکید می‌کند که بین ترجیح نهادن عدم دخالت بر عدم سلطه با کوشش در تحقق عدم دخالت، فرق بسیاری است که باید در نظر داشت. با این همه و با این که هر دوی آنها را می‌توان خیری ذاتی شمرد و نه خیری ابزاری - به تعبیر رالز - اما این دو، هم در شرایط و هم در شیوه تحققشان با هم متفاوت‌اند. باید به یاد داشته باشیم که وقتی دخالت نفی شده در عدم سلطه را «دخالت خودسرانه» دانستیم دیگر نباید در تحقق این آرمان به دنبال نفی هر گونه دخالتی باشیم. (صص ۱۵۸-۱۴۱) این مطلب وقتی مشخص می‌شود که پتیت علیه امکان «پی‌جویی غیر متمرکز» عدم سلطه استدلال می‌کند. «یک استدلال کم و بیش واضح علیه واگذاشتن تحقق عدم سلطه به اختیار افراد این است که این کار احتمالاً به توزیع بسیار نابرابر عدم سلطه خواهد انجامید.» (ص ۱۶۰) چرا که هر کس با تواناییها و روشهای خود به این کار اقدام می‌کند و با توجه به تفاوت‌های موجود در سابقه، محیط و شرایط اجتماعی این کار می‌تواند به ایجاد شکافهایی عمیق و نهایتاً برآندن مستبدانی تمام عیار بینجامد. پتیت در مقابل چنین وضعی دو بدیل را پیش می‌نهد: نخست تدارک اقتدار تشکیلاتی برای ارتقای عدم سلطه و دوم راهبرد قدرت متقابل او سرانجام به دلایلی مشابه به راه حل نخست که مستلزم تشکیل دولت است رأی می‌دهد؛ دولتی که عدم سلطه برای آن آرمانی عالی دانسته می‌شود. (ص ۱۶۵) پتیت تأکید می‌کند که عدم سلطه - که به این ترتیب تبدیل به خیری متعلق به یک جامعه سیاسی شده است - باید به مثابه هدفی برای دولت در نظر گرفته

ر چه می‌خواهد انجام دهد.» (ص ۶۶، به نقل از پاتان)

به نظر پتیت هابز که متعلق به سنتی مطلق‌گرا بد در این تعریف راهی جسته بود تا به شیوه‌ای عمیل و «در بلند مدت مؤثر» با نظر جمهوری‌خواهان مقابله کند. هابز با این تعریف از ادی می‌توانست بگوید که قانون همیشه تجاوز به ادی مردم است - نظری که به زعم پتیت لیبرالها سم عمدتاً بر آن هستند - اما از اینجا نتیجه دیگری می‌گرفت: یعنی این که حیطة آزادی مردم همان نیطة خاموشی قوانین است: «بنابراین آزادی عیت، تنها در آن چیزهایی است که پادشاه به ننگام تنظیم افعال او، آنها را از قلم انداخته است» (ص ۶۷)

نقدی که تقریباً همه منتقدان لیبرال در اینجا ه پتیت وارد کرده‌اند این است که اولاً او گویی سنت لیبرال را سنتی یکپارچه می‌بیند و تلقی همه لیبرالها را از آزادی به منشأ هابزی آن می‌رساند و ر ثانی مضمینی را که در آثار اندیشمندان لیبرال وجود دارد که دلالت‌هایی مشابه با مضمین خود تیت دارد نادیده می‌گیرد. در این میان شاید نسجم‌ترین این ایرادها را چارلز لا‌مر وارد کرده اشد. (۲۴۳-۲۲۹: ۲۰۰۱، L'armor) لا‌مر می‌کوشد شان دهد که در آثار فیلسوفان و اندیشه‌گران سیاسی لیبرال از کنستان گرفته تا جان رالز - که هر دو هم از همین دیدگاه توسط پتیت نقد می‌شوند - سواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد تلقی آنها از آزادی محدود به ایده عدم دخالت نبوده است. از طرف دیگر او سعی می‌کند نشان دهد تلقی لاکای از آزادی که هم عصر هابز شکل گرفت با تلقی او متفاوت است و حاوی عناصری است که مشخصاً قانون را برای حفظ آزادی لازم می‌دانند نه این که ن را در هر شکلی ناقص آزادی بدانند. با این حال لا‌مر - به ویژه در مورد کنستان - به ابهام موجود در ندیشه اشخاص لیبرال مورد بحث اشاره می‌کند و همچنین بر این نکته تأکید می‌کند که مفهوم مورد نظر پتیت در زمان آنها صورت‌بندی نشده بود. در مورد اشکال لا‌مر می‌توان گفت که اولاً پتیت خود به چندگونگی سنت لیبرال در موارد متعددی اشاره و بعضاً تصریح کرده است که با بعضی شاخه‌های آن اختلاف اندکی دارد و از آن گذشته اگر از او بپذیریم

**پتیت آزادی به مثابه عدم سلطه را همچون خیری جماعت‌گرایانه می‌نمایاند؛ یعنی خیری که تنها در نظامی می‌تواند متحقق شود که در بردارندهٔ اعضای باشد که با هم برهم کنش جمعی دارند**

## **تعبیر مورد نظر پتیت از آزادی به اعتبار نگاه تاریخی او تعبیری است به ارث رسیده از سنت جمهوری خواهی کلاسیک که پیش از این که مفهوم جدید ولیبرالی آزادی طرح شود معمول بوده است**

می‌گوید حکومت در موقعیتی که دو منفعت شهروندی متضاد را پیش رو دارد باید منفعت به ج و «مناسب» (relevant) را برگزیند.

به اعتقاد پتیت منفعت مناسب من آن منفعتی است که با بقیه در آن مشترک باشم نه آن که مختص من باشد چرا که دولت «باید به سایرین نیز به اندازه من خدمت کند.» کارتر، این جمله آخر را که نتیجه‌گیری با آن تکمیل می‌شود، حکمی اخلاقی می‌داند که تنها با مبانی کانتی قابل استنتاج است: و این به زعم کارتر نه تنها با ادعای پتیت در اخلاق‌زدایی از مفهوم آزادی‌اش در تناقض است بلکه اصولاً متحمل اشکالات جدی‌ای است که متوجه صورت‌بندی اخلاقی مفهوم آزادی است. (Carter, Ibid)

### **۵- تتمه**

کتاب پتیت و مفهوم پیشنهادی در آن برای آزادی به رغم همه نقدهایی که بر آن شده است و هنوز هم می‌شود جای خود را در مباحث اخیر فلسفه‌سیاست باز کرده است و دست کم در سنت جمهوری‌خواهی تعیین‌کننده بوده است. پس از انتشار کتاب او تاکنون مقاله‌های چندی در نقد یا توضیح وجوه مختلف جمهوری خواهی او نوشته شده‌اند و علاوه بر آنها چند کتاب هم در فلسفه سیاسی نوشته شده‌اند که مفهوم جمهوری خواهانه او را از آزادی مبنای کار خود گرفته‌اند.<sup>۱</sup> و با توجه به وسعت این دیدگاه که دامنه آن از فلسفه سیاست تا فلسفه حقوق گسترده است، بعید نیست که از این پس هم بیشتر بحث و پالوده شود. از همین رو باید انتشار ترجمه کتابی در یکی از زمینه‌های جدید فلسفه سیاست را به فال نیک بگیریم هر چند با ترجمه امثال این کتابها بیشتر درمی‌یابیم که تا چه حد در زمینه ادبیاتی از این دست به زبان فارسی کمبود داریم.

### **پی‌نوشت:**

۱- برای دیدن نمونه‌ای از خط بحث امتداد یافته از دوران کلاسیک جمهوری خواهی تا دوران مدرن آن - و نیز تدقیق در همین دوره‌بندی - رجوع کنید به: مکتب جمهوری‌خواهی باستان و مدرن: «قانون اساسی

می‌بیند برجسته‌اش کند این است که پرداختن به آرمان آزادی به مثابه عدم سلطه برخلاف بسیاری از مباحث فلسفه سیاست که درون مایه‌ای انتزاعی و رمانتیک دارند، ما را مجبور می‌کند به مسائل عینی و بی‌ظرافتی چون شکل هیأت حاکمه پردازیم و نیز مسائل بی‌ظرافت‌تری همچون طراحی نهادها.

در آخرین فصل یعنی «مدنی ساختن جمهوری» پتیت به شرایط و لوازمی می‌پردازد که طی آنها دولت با مردم در تعامل قرار می‌گیرد. او بر این نکته انگشت می‌گذارد که قوانین پیش برنده و مهارکنندهٔ جمهوری تنها وقتی مؤثر می‌افتند که مورد حمایت هنجارهای مدنی باشند یعنی شهروندان از آنها حمایت کنند و هنجارها و فضائل مدنی و شهروندی‌ای سازگار با این قوانین داشته باشند. و از همین رو جمهوری قانون سالار باید تبدیل به یک واقعیت مدنی شود.

و این مستلزم وجود مدنیت گسترده و فضائل شهروندی است. و علت مهم این استلزام هم این است که «تنها تا جایی می‌توان به مردم در مورد عدم سلطه [بر] آنها اطمینان داد که دیگران برای رعایت عدم سلطه دلایل هنجاری داشته باشند نه صرفاً دلایلی مرتبط با ترس از سزاهای قانونی.» (ص ۴۷۴)

در اینجا پتیت مدنیت و فضیلت شهروندی را با لزوم اعتماد مردم به حکومت پیوند می‌زند: اعتمادی که ناشی از موفقیت حکومت در تثبیت مشروعیت جمهوری خواهانه‌اش در اذهان عمومی است؛ امری که پتیت امید دارد با برقراری یک مردم‌سالاری اعتراضی به بهترین نحو انجام شود. اینجا هم مورد اعتراض بعضی منتقدان واقع شده است: به طور مشخص کوادی می‌گوید که اعتماد مورد درخواست پتیت با عدم اعتمادی که لازمه وجود مشروعیت اعتراضی است قابل جمع نخواهد بود: به اعتقاد او پتیت هم زمان می‌خواهد که مردم هم به حکومت اعتماد کنند تا قوانین امکان استقرار بیابند و هم بی‌اعتماد باشند تا راه را بر خودسری حکومت ببندند. (Coady, Ibid, p.122)

نکته مهم دیگری که در همین فصل انتقاد برانگیز بوده است راه حلی است که پتیت برای حل موارد تنازع منافع پیش می‌نهد. پتیت

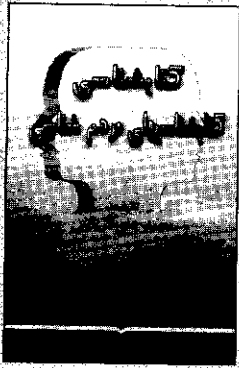
عرصه‌های مختلف سیاست‌گذاری - که آنها را «تنها در پرتو اطلاعات تجربی می‌توان بیان کرد.» - آرمانی پویا است «جمهوری خواهی یک برنامه پژوهش [research program] سیاست‌گذاری است؛ نه یک نقشه کلی یک بار برای همیشه.» (ص ۴۶۸)

به نظر پتیت یکی از دغدغه‌های همیشگی در سنت جمهوری خواهی راه‌جولوگیری از سلطه‌گری خود دولت است؛ دولت که قرار است برای نفی سلطه، حق دخالت غیر خودسرانه را داشته باشد و خطر درست وقتی پیش می‌آید که این دخالت به خودسرانه تغییر کند. پتیت برای جلوگیری از خودسرانگی حکومت سه شرط را از سنت جمهوری خواهی نقل می‌کند و تفصیل می‌دهد: اول فرمانروایی قانون؛ دوم پراکندگی قدرت (شامل تفکیک قوا)؛ و سوم ضد اکثریت‌گرا بودن. اما نکته ویژه‌ای که پتیت در میان می‌آورد این است که شرط تضمین این که اعمال اختیار حکومت جمهوری، منافی عقاید و منافع مردم نباشد این نیست که - برخلاف رویه‌های مشروعیت‌گرای دموکراسی‌های موجود - مبنای بر جلب رضایت مردم بگذاریم بلکه در مقابل نظام جمهوری باید «امکانهای سامان‌یافته‌ای را برای مردم عادی معمول سازد تا به اعمال حکومت اعتراض کنند.» (ص ۴۶۹) اینجا موضعی است که حتی منتقد خرده‌گیری چون کوادی نیز در آن بر «واقع‌گرا» بودن رویکرد او صحنه می‌گذارد. (Coady, 2001, p.120)

پتیت در فصل «زیر نظر گرفتن جمهوری» کوشیده است با طرح و تدقیق ابزارها و رویه‌های لازم برای نظارت بر جمهوری راه را بر فساد‌پذیری مأموران حکومت - به لحاظ نظری - ببندد و رویه‌هایی را پیشنهاد کند که امکان فساد‌پذیری را به حداقل برسانند. این کار به ویژه با توجه به نقشی که او برای دولت قائل است اهمیت می‌یابند. مسائل مطرح در این فصل برگزیدن رویکردی است که فرض را بر سرکشی عوامل بگذارد و از آغاز در پی مقابله با دغل‌کاران باشد یا رویکردی که فرض را بر مطیع بودن آنها بگذارد و با اولویت دادن به پاداش‌دهی از عوامل جزا دهنده هم استفاده کند. نکته‌ای که پتیت در پایان این بحث مفصل لازم



**باید به یاد داشته باشیم که  
وقتی دخالت نفی شده در  
عدم سلطه را «دخالت خودسرانه»  
دانستیم دیگر نباید در تحقق  
این آرمان به دنبال نفی  
هر گونه دخالتی باشیم**



کتابشناسی کتابشناسیهای مردم‌شناسی  
- محمد علی کرمانی  
- نوبه چهارم  
- ۱۳۸۰ - ۱۲ - ۲۰ - ۲۰ - ۲۰ - ۲۰ تومان

از جمله ضروری‌ترین موارد مورد نیاز در مطالعات اجتماعی و فرهنگ تدوین کتاب‌شناسیهای است که بافتن مطالب مورد نیاز در یک خطه پژوهشی را آسان می‌سازد. کتاب حاضر که به روش توصیفی تهیه شده و از لحاظ زمانی، کتابشناسیهای انتشار یافته تا نیمه زمستان سال ۷۸ را دربرمی‌گیرد، به معرفی چند دهه از کتابشناسیهای مردم‌شناسی پرداخته است.

۱- کتابشناسیهای که در ایران طی مردم‌شناسی دارند، مانند «کتابشناسی مردم‌شناسی و فرهنگ جامعه ایران» گردآوری علی باوکی‌هی و محمود زمانی.

۲- کتابشناسیهایی که به‌عنوان خاصی در مردم‌شناسی ایران پرداخته‌اند، مانند «منابع و مأخذ شماره ایران».

۳- کتابشناسیهایی که به‌طور غیر مستقیم منابع و مأخذ مردم‌شناسی را بازتاب داده‌اند، مانند «کتابشناسی هنر، دین و تقسیم‌عاش مافی».

در اثر حاضر مؤلف بیش از ۱۴۶ کتابشناسی در زمینه‌های گوناگون مردم‌شناسی ایران را باز نموده و در مجموع روش یافتن افزون بر نوبست هزار منبع فرهنگی را به دست می‌دهد. در تقسیم‌بندی منابع نخست به تقسیم‌بندی استانی توجه داشته و کتابشناسیهای تهیه شده در مورد هر استان را معرفی می‌کند که با مراجعه به آنها اغلب منابع موجود در مورد هر استان را می‌توان بارشناخت.

به علاوه در بخش تخصصی مردم‌شناسی بسیاری از مطالعات عمده این رشته ذکر شده و خصوصاً در قسمت نمایی موضوعی، ۲۷۸ عنوان مردم‌شناسی را مورد توجه قرار داده است.

نمایه موضوعی آن، در موادی تنها منبع معرفی تحقیقات و پژوهشهای انجام شده در آن زمینه است که از جمله می‌توان به مقالات قالی و فرش، رقص، سفرنامه‌ها، سفالگری و... اشاره کرد. مؤلف هنگام معرفی هر اثر گوشه‌ای از روشهای علمی و متداول مرجع‌نویسی را رعایت کند. به عنوان مثال، اگر منبع مورد اشاره به صورت مقاله در مجموعه‌ای چاپ شده، آن را در داخل گیومه قرار داده است.

پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های دولتی نیز در این کتابشناسی مورد توجه قرار گرفته است.

از این مؤلف پیشتر کتاب «ساخت جامعه‌روشنایی هرمزگان، انجیردان» که مطالعاتی در اوضاع اقتصادی - اجتماعی یکی از آبادیهای استان است، توسط همین ناشر انتشار یافته است.

امیر کاوویی بالا زاده

۱- پژوهش توصیفی در کتابشناسی به این معناست که گردآورنده تنها توصیفی از کتابی به هیچ گونه اظهار نظری به عمل می‌آورد. در صورتی که در مورد کتاب به اظهار نظر مختصری بپردازد آن را «پژوهش توصیفی» و اگر بیشتر توضیح دهد آن را «پژوهش تفسیری» و اگر کتاب را عمیقاً تحلیل کند آن را «پژوهش تحلیلی» گویند.

در کتاب‌های تدوین کتابشناسی، فهرست برومند تهران، انتشارات سازمان ملل، فرهنگ انقلاب اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۸۲.

۲- ر. ک. به قواعد و ضوابط چاپ کتاب، ویراستار پوری سلطانی، تهران، کتابخانه ملی، ۱۳۶۷، ص ۲۸.

مؤلفه کتابشناسی.

۳- انتشارات نوید شیراز، چاپ دوم، همراه با تصاویری از دهکده انجیردان، ۸۰ ص، رفسی.

مختلط» و «ناظرها» در کتاب ابداع جمهوری مدرن، بیانکارابا فونتانو، ترجمه محمد علی موسوی فریدنی، تهران: نشر و پژوهش شیرازه ۱۳۸۰. در دیگر مقاله‌های همین کتاب می‌توانید بحثهای تاریخی دربارهٔ مضمونهای اصلی جمهوری خواهانه را دنبال کنید.

2 - Carter, Jan, A Critique of Freedom as Non-domination, (Review of Philip Pettit's Republicanism: A Theory of Freedom and Government) see in:

<http://cfs.unipv.it/opere/carter/pettit.doc>  
۳- رسالهٔ کنستان به ضمیمه این کتاب آمده است: درسامه‌های فلسفه سیاسی، بلانچین کریژول، ترجمه: عبدالوهاب احمدی، تهران: نشر فرهنگ و اندیشه ۱۳۸۰، ۲۷۲ صفحه، ۱۳۰۰ تومان.

۴- از این میان می‌توان به کتاب ماینور دربارهٔ جمهوری خواهی اشاره کرد:

Maynor, John W. 2003. Republicanism in The Modern World, Polity Press

و نیز به کتاب خانم هیرشمن در زمینه فمینیسم:  
Hirschmann, Nancy J., (2002) The Subject of Liberty: Toward a Feminist Theory of Freedom, Princeton University Press

**منابع:**  
۱- برلین، آیزایا (۱۳۶۸) چهار مقاله دربارهٔ آزادی. محمد علی موحد، انتشارات خوارزمی  
۲- ماکیاوولی، نیکولو (۱۳۷۷) گفتارها. محمد حسن لطفی. انتشارات خوارزمی.

3 - Coady, C.A.J (2001) "Critical Notice of Republicanism by Philip Pettit", Australian journal of phylosophy, Vol. 79, No. 1, pp. 119-124 @ March 2001.

4 - Larmor, Charles (2001) "A Critique of philip pettit's Republicanism", 35 Nous Supplement: 229-243

5 - Pettit, P. (1999) "Republicanism: Once More With Hindsight", in Republicanism: A Theory of Freedom and Government, pbk edn, Oxford University Press. pp 283-305